

نگاه در مسیر آینده

دکتر حسین ابراهیم‌نیا*

● آرام آرام در حال نزدیک‌شدن به صدمین سال فروپاشی امپراتوری عثمانی هستیم؛ اما یک موضوع اصلی همچنان حل‌نشده باقی مانده است. اینکه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا همچنان بحرانی‌ترین منطقه جهان است. منطقه‌ای که هر روز بحث اصلی اخبار جهان حول این مناطق می‌چرخد؛ این موضوع با تحولاتی که در سال ۲۰۱۱ به وقوع پیوست، منطقه را به سمت مسیر جدیدی هدایت کرده و به مرور فصل دیگری از ترتیبات سیاسی، امنیتی و راهبردی بروز و ظهور کرده است. مسیری که در آن تنش و بحران‌های سیاسی، مذهبی، هویتی و قومیتی تشدید شده و روابط میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است.

اما آنچه بیش از همه دستخوش تغییر شده، روابط و زمین بازی سیاست میان بازیگران منطقه‌ای و در کنار آن رشد و قدرت‌گیری بازیگران غیردولتی نظیر گروه‌های مختلف مبارز و غیرمبارز نظامی و سیاسی است. بنابراین موضوعات حل‌نشده گذشته مانند اختلافات محور شیعه و سنی که به‌لحاظ تاریخی زمانی دو دولت صفویه و عثمانی صبری آن را برعهده داشتند، امروز نقش ویژه و اثرگذاری در افزایش سطح تنش میان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دارد؛ بنابراین دین به‌عنوان یک عنصر هویت‌ساز بر شیوه زندگی و سیاست‌ورزی دو محور شیعه سنی اثر گذاشته و این مسئله را پس از تحولات در جهان عرب به یکی از کانون‌های اختلافات و افزایش تنش تبدیل کرده و از حالت کلامی گذشته به سطح عملیاتی رسانده و بدل به صحنه‌ای شده که بر پیچیدگی سیاسی و امنیتی در خلیج‌فارس افزوده شود. منطقه‌ای که تنش‌های درونی آن به منطقه مادر یعنی خاورمیانه و شمال آفریقا تسری و تکرار شده می‌یابد و فاز عملیاتی تنش در آن مناطق تبدیل به یک جنگ تمام‌عیار غیرمستقیم شده است. بنابراین از آنجا که فضای حاکم همراه با ترس، رقابت، توهم و نگرانی‌های امنیتی میان بازیگران منطقه‌ای نسبت به یکدیگر است، هیچ‌یک از بازیگران منطقه در زمانه کنونی به یکدیگر اعتماد نداشته و ندارند و اتحادها و ائتلاف‌ها خصوصا در محور سنی به دلیل عدم انسجام درونی به سرعت و در چند ماه دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شوند.

به‌عنوان نمونه زمانی قطر و ترکیه در کنار عربستان سعودی بودند و امروز روابط سردی دارند؛ زمانی مصر با ترکیه در اتحاد بود و امروز هیچ رابطه‌ای ندارند. به‌همین‌ترتیب این بی‌اعتمادی اثرات منفی خود را بر جای می‌گذارد. نتیجه آن تغییر زمین بازی نزاع و تنش میان بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای است؛ بنابراین این عدم اعتماد و امنیت نیز میان محورهای شیعه و سنی بیش‌ازپیش تشدید و حتی منجر به بروز بحران‌های بیابانی شده است؛ امری که امروز دامنه آن در حال تغییر و زمین بازی در حال حرکت به سمت عراق است. در این میان دولت جدید آمریکا با ترکیبی از محافظه‌کاران سستی و نوحافظه‌کاران دیگر سیاست‌های گذشته دولت اوباما را دنبال نکرده و تلاش دارد به وسیله اعمال راهبردهای گوناگون فشارها را بر محور شیعه یعنی ایران افزایش دهد. ایالات متحده آگاه است که مؤلفه‌های قدرت هویت و محور شیعی در معادلات سیاسی، امنیتی و... تحکیم یافته و امروز نمی‌تواند آن را نادیده انگارد. از سوی دیگر محور سنی هم دارای مؤلفه‌هایی از سرشت قدرت است که نمی‌توان آنها را در ابعاد منطقه‌ای نادیده انگاشت. از آنجا که ریشه و بویایی نظام منطقه‌ای کاملا تحت تأثیر قدرت در همه سطوح و ابعاد آن است، بنابراین دو هویت کلان مذهبی منطقه، در حال پی‌ریزی عناصر قدرت خود را آینده هستند. از آنجا که دولت جدید در ایالات متحده قدرت‌گیری محور شیعه را در راستای منافع راهبردی و کلان خود نمی‌داند، بنابراین در این زمینه منافع همسویی با محور سعودی دارد؛ بنابراین سعی می‌کند کاهش قدرت ایران را عملیاتی کند و در این راستا یکی از آن مسیرهای فشار، نزدیکی به نیروهای شیعی در عراق است تا به این وسیله شکل جدیدی از اتحاد و ائتلاف‌های منطقه‌ای در جهت محدودسازی شعاع فعالیت ایران پی‌ریزی شود.

مدلی که سه عنصر اساسی دارد؛ نخست: تحریک هویت عربی از مسیر همسایگان عرب دولت عراق و بازگشت به هویت عربی؛ دوم: بهره‌گیری از بازیگران غیردولتی دارای نفوذ و قدرت در کشور عراق؛ و سوم: تحریک عربستان سعودی به ایفای نقش فعال‌تر از گذشته و نزدیکی بیشتر به شیعیان غیرایرانی در جهان عرب و اسلام. در این میان عراق نیز که ثبات سیاسی و امنیتی آن متزلزل است، تلاش دارد موازنه‌ای میان این دو محور برقرار کند؛ اما وسعت تکرر و پراکندگی نیروهای سیاسی در عراق در سطحی است که صرفا شخص نخست‌وزیر، کابینه و حتی پارلمان تصمیم‌گیرنده نهایی نیست؛ بلکه اثرات نیروهای بیرونی، آنان را پیرو تصمیمات می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۹

politics@sharghdaily.ir

چیزی که ترامپ می‌فروشد و عربستان می‌خرد

حمله به سفارت عربستان خیانت بزرگی بود



علیرضا غلامی، سفیر ایران در عربستان

جدی‌تر و مهم‌تری در جامعه بین‌المللی و در جهان امروز است. با وجود ترامپ، اروپا به دنبال نقش‌آفرینی بدون آمریکاست. بحث کنارگذاشتن ناتو هم در این قالب قابل‌طرح و معنادار است؛ اخیرا ترامپ سخترانی تحقیرآمیزی داشت که در آن به اروپا می‌گفت امنیت شما را آمریکا تأمین می‌کند، پس باید هزینه آن را بپردازید. اروپا الان برجام را که یک توافق‌نامه بین‌المللی است، منشأ قدرت برای خود می‌داند. توافق برجام زیر نظر و

تلاش اتحادیه اروپا انجام شده است؛ «کاترین اشتون» و «فدریکا موگرینی» آن توافق را پیگیری کرده‌اند و آمریکا هم عضو آن بود. برجام برای اروپا پرستیژ قدرت است و اگر این توافق به هم بخورد، به معنی این است که اروپا دیگر نمی‌تواند در دنیا، اجماعی بین‌المللی برای کاری پیش بگیرد و تلاش‌های او در اجماع‌سازی به نب‌بست می‌رسد یا با مانع بزرگ‌تری مواجه می‌شود. برای همین اروپا به معنای واقعی می‌خواهد برجام را حفظ کند. برای همین من معتقدم سیاست آنها در ارتباط با برجام هم اعلامی است و هم اعمالی.

آیا آبن با واقعیت‌های سیاسی اروپا هم‌راهی دارد؟

واقعیت این است اقتصاد آمریکا، اقتصاد بزرگ و گسترده‌ای است؛ نقش دلار در روابط تجاری بین‌المللی نقشی جدی است. حجم رابطه‌ای که اروپا با آمریکا دارد با رابطه اقتصادی که چین با آمریکا دارد، بسیار بالاست. درحال‌حاضر حدود ۵۰۰ میلیارد دلار چین در روابط تجاری خود با آمریکا مازاد دارد؛ یعنی واردات آمریکا از چین و برعکس، ۵۰۰ میلیارد دلار به‌نفع چین است. این مسائل بر سیاست تأثیرگذار است. اروپا هم ارتباط تجاری-اقتصادی بزرگی با آمریکا دارد؛ مهم‌تر اینکه خیلی از شرکت‌های اروپایی شرکت‌های بین‌المللی، یعنی اروپایی-آمریکایی هستند. اینها در مسائل تجاری-سیاسی تأثیرگذار است. حتما شنیده‌اید مثلا فلان بانک اروپایی از سوی آمریکا جریمه شده است. اینها واقعیت‌های جهان امروز هستند. از طرفی شرکت‌های اروپایی و آمریکایی دستوری اداره نمی‌شوند. محتمل است که این شرکت‌ها منافع خود را در نظر گرفته و بگویند به خاطر منافع کوچک، منافع بزرگ‌تر را از دست نمی‌دهند.

آیا برخی معتقدند ایران با برجام به دنبال نرمالیزاسیون روابطش سیاسی ایران-اروپا بود. آیا ایران به آن هدف

تعیین بنیاد برجام در اروپا رسیده است؟
بله دقیقا! مهم‌ترین دلیل این عادی‌سازی همین حمایت اروپا در مقابل آمریکا از ایران است. این نکته بسیار مهمی است و نباید این را نادیده بگیریم. همین که اتحادیه اروپا برای حمایت از برجام، جلوی آمریکایی که متحد اصلی و قدرت برتر اقتصادی دنیا به شمار می‌رود ایستاده، به این معناست که دیپلماسی ایران در اروپا موفق بوده است؛ چه در ارتباط با مذاکراتی که به برجام منتج شد و چه در ارتباط با روابط اقتصادی بعدی و حتی روابط سیاسی و دیپلماتیک. دیپلماسی ایران در اروپا به هدف خود رسیده است.

آ شما از پیام رئیس‌جمهوری به کشورهای همسایه در این نشست خبری حرف می‌زنید؛ معتقدید پیام آقای روحانی از سوی همسایگان به‌خصوص عربستان دریافت نشد؛ آیا این عدم دریافت پیام، عوامل درونی داشته یا همه عوامل را در طرف مقابل باید جست‌وجو کرد؟

عربستان سعودی تحلیل غلطی از وضعیت سیاسی منطقه دارد که نتیجه آن موضوع‌گیری اشتباه در مورد ایران است. اما آن تحلیل غلط چیزی است؛ تحلیل عربستان بر این مبنا استوار است که آنها فکر می‌کنند نفوذ ایران در منطقه افزایش یافته و این مسئله برای عربستان که رقیب ایران است، می‌تواند خطرناک باشد. ولی واقعیت این‌گونه نیست. اگر عربستان ائتلاف ضدتورویستی تشکیل می‌دهد، ایران بهترین همیمان علیه تروریسم است. اگر ایران نبود، داعش سوریه و عراق را می‌گرفت و سراغ خود عربستان می‌رفت؛ چنانکه القاعده چنین کرد. این تحلیل غلط از منطقه، سبب می‌شود که عربستان پیام دوستی دکتر روحانی، رئیس‌جمهوری ایران را به درستی دریافت نکند. اشتباه دیگر اینکه عربستان خیال می‌کند برای مقابله با ایران که نفوذ آن در منطقه در حال گسترش است، باید به تروریسم متوسل شود. با همین تئوری، آنها در مقطعی القاعده و اخیرا داعش را پشتیبانی می‌کردند.

یعنی عربستان فکر می‌کند از طریق حمایت از تروریسم، ایران را تضعیف می‌کند. برای ضربه‌زدن به ایران از تروریسم و داعش در سوریه که دوست ایران است، حمایت می‌کند. نتیجه این تحلیل غلط از شرایط

منافع عربستان بود. اینکه چه کسانی این کار را انجام دادند، من اطلاعی ندارم و اظهارنظر هم نمی‌کنم، اما نتیجه این رفتار در جهت منافع عربستان پیش رفت. عربستان برای دشمن‌تراشی با ایران به دنبال بهانه بود و می‌خواست روابط خود را با ایران قطع کند؛ با حمله به سفارت عربستان این بهانه مهیا شد. آتش‌زدن سفارت خیانت بزرگی بود که انجام شد؛ اینکه آیا افرادی که دست به این کار زدند، خائن هستند یا نه باید دادگاه تصمیم بگیرد، ولی این خیانت بزرگی بود در حمایت از عربستان؛ طوری که تلاش‌های بعدی دولت توانست این اقدام را خنثی کند.

عربستان در فراندوم کردستان عراق از جدایی کردستان از بغداد حمایت نکرد و در این قضیه موضع مشترکی با ایران داشت. با توجه به مسائل و واقعیت‌های منطقه، آیا ایران و عربستان می‌توانند موضع مشترکی برای اتحاد بیابند؟

حتما این‌گونه است. اما اراده سیاسی مطرح است. موقعی اراده سیاسی طرف این است که هر اتفاقی بیفتد دشمنی را با ایران ادامه می‌دهم، در این صورت این مسائل تأثیرگذار نیست. اگر اراده سیاسی‌ای باشد که به دنبال این چراغ‌سبزه باشد مؤثر خواهد بود؛ مثلا درباره تشکیل دولت در لبنان که مدت‌ها رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر نداشت، این نظر وجود دارد که توافق ایران و عربستان باعث شد این دولت تشکیل شود. با توافق در اوکب بر سر قیمت نفت، منافع مشترک وجود دارد. مهم آن اراده سیاسی و خواسته است که باید آنها بخوانند.

سیاست ایران در کشورهای حوزه خلیج‌فارس چگونه باید باشد و ایران در منطقه دنبال چیست؟

جزء اصول سیاست خارجی ایران، گسترش روابط با کشورهای همسایه اسلامی و بعد کشورهای جهان سوم و دیپاست. همه کشورهای حوزه خلیج‌فارس همسایه و اسلامی هستند. همسایگی در روابط بین‌الملل بسیار مهم است؛ چون اگر کشورهای دور بخوانند مشکل ایجاد کند و تمام کشورهای به دنبال منافع خود هستند. ولی گاهی در تضاد منافع، رقابت کشورها به تخاصم می‌رسد. ما نباید اجازه دهیم رقابت خصمانه شود. ایران و عربستان در دوره آقای سیدمحمد خاتمی هم رقابت داشتند، اما رقابت آنها دوستانه بود. یکی دیگر از تحلیل‌های نادرست عربستان، بحث هال شیعی است؛ این توطئه‌ای است که ریشه در اختلاف‌آفرینی شیعه و سنی دارد. مبنای حکومت ایران، انقلاب اسلامی بوده است. رهبری این انقلاب مرجع تقلید شیعه، امام خمینی بود. چه کسی سخن از انقلاب شیعی ایران شنیده است؟ آیا امام خمینی از انقلاب شیعه گفته است؟ امام همیشه از انقلاب اسلامی سخن گفته است. رهبری انقلاب به‌هیچ‌وجه خوبی فکر نکرده، بلکه دینی فکر کرده و دنبال منافع کل مسلمان‌ها بوده است. بنابراین پایه‌گذاری حکومت جمهوری اسلامی براساس منافع جهان اسلام بوده است. اما متأسفانه تبلیغات به‌گونه‌ای است که گویا ایران دنبال منافع شیعه است. هیچ کشوری به اندازه ایران از فلسطین دفاع نمی‌کند. بیش از ۹۰ درصد مردم فلسطین سنی‌مذهب هستند، اما چون مظلوم‌اند، ایران از آنها دفاع می‌کند. من تأکید می‌کنم دشمنی آمریکا با ایران بر سر قضیه اسرائیل است. این را تورویسم، پیرونده هسته‌ای یا نفوذ ما در منطقه مشکل ندارند. مشکل آمریکا با ایران بر سر اسرائیل است. آنها نگران این هستند که اگر آید یا اینکه اگر آمریکا بحث تروریسم را مطرح می‌کند، تروریسم موجدنظر او حزب‌الله و حماس است که با اسرائیل می‌جنگد. هلال شیعی که پادشاه اردن آن مطرح کرده به این معنی است که ایران پشت مرزهای اسرائیل می‌آید. ایران از طریق دشمنی با آمریکا، مشکلات سیاسی و اقتصادی برای خود ایجاد می‌کند تا از فلسطین تمام‌سنی دفاع کند. این کجا به سیاست شیعه‌گری ربط دارد؟! این همان دام‌هایی است که سیاست‌مداران داخل آن افتاده یا دوست خاخراسی ما در منطقه باید همان

آ کویت چرا با سخنرانی ترامپ هم‌راهی نکرد. آیا رابطه ما با این کشور در قالب منطقه‌تری پیش می‌رود؟

جمله خود را برعکس بیان کنید؛ ما با همه این کشورها رابطه خود را در قالب دوستی و منطق پیش می‌بریم. بهتر است بگوییم کویت منطقه‌تری از امارات و عربستان در قبال ایران عمل کرده است. آنها عملکرد عربستان را به‌نفع جهان عرب، جهان اسلام و منطقه نمی‌دانند. ولی همبستگی عربی با هم‌بگی دارن که بحثی جداگانه است، اگرچه نمی‌خواهند مثل عربستان عمل کنند.

آ به‌جز عمان، کدام کشور بین کشورهای حوزه خلیج‌فارس برای ایران دوست و رفیق مانده است؟ البته عمان، عراق و سوریه هم در برابر سخنرانی ترامپ سکوت کردند.

عمان بهترین دوست ایران در خلیج‌فارس است.

آ درحال حاضر ما با همسایگانی مواجه هستیم که در حال هم‌راهی با ترامپ و حتما منتظر ازین‌رفتن برجام هستند. ایران باید سطح رابطه خود را با این همسایگان، چگونه تنظیم کند؟

الگوی سیاست خارجی ما در منطقه باید همان الگوی سیاسی دولت اصلاحات باشد؛ الگویی بر مبنای تعامل، گفت‌وگو و اقتناع طرف مقابل مبنی بر آنکه روابط دوستانه ما با یکدیگر، به‌نفع منطقه است و از سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ جلوگیری می‌کند. برخی معتقدند در پی تش‌هایی که میان دولت جدید آمریکا و ایران پیش آمده، بهتر است ایران به سمت حل مشکلات خود با عربستان قدم بردارد؛ یعنی کلید حل مشکلات ما را به‌ویژه در منطقه، در تنش‌زدایی با عربستان می‌دانند؛ نظر شما چیست؟ جمهوری اسلامی ایران همیشه دنبال گسترش روابط با همسایگان و کشورهای اسلامی بوده است. این جزء سیاست‌های کلی ماست و انصافا در دوره ریاست‌جمهوری آقای روحانی از همان روز اول این سیاست بروز پیدا کرده است. چهار سال پیش، وقتی آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، در نخستین سخنانی که در بُعد سیاست خارجی داشت، از تنها کشوری که نام برد، عربستان بود. آقای روحانی و تیم سیاست خارجی دولت از روز اولی که مستقر شده‌اند، ترمیم روابط با عربستان را در دستور کار داشته‌اند و در این راستا سیاست‌های خود را با سیاست‌های نظامی مطرح خارج می‌شود و نه‌تنها در خواست دسترسی به حوزه نظامی، بلکه بسیاری از حوزه‌های دیگر نیز شامل این هسته‌ای ما متمرکز بر سایت‌های اعلام‌شده است که اطلاعاتش را به آژانس داده‌ایم. بر اساس این، هیچ دلیلی وجود ندارد که بخوانند به جاهای دیگر اعزام شوند و غیرنظامی دسترسی داشته باشند.

بند T، دردسر جدید برجام

● شرق: آمریکایی‌ها در تلاش هستند تا برای برنامه موشکی ایران مانع‌تراشی کنند. جدیدترین بهانه آنها، بند T برجام است که مرتبط با فعالیت‌هایی است که می‌تواند برای طراحی و توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای استفاده شود. در همین راستا، ۱۳ سناتور آمریکایی در نامه‌ای خطاب به نیکی هیلی، نماینده این کشور در سازمان ملل، با ادعای اینکه کاستی‌هایی در رژیم بازرسی و راستی‌آزمایی‌های تعهدات ایران در برجام وجود دارد، خواستار تشدید بازرسی‌ها شدند.

به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه خبری ویکی‌استاندارد، سناتورها در این نامه از دولت ترامپ خواسته‌اند به آنچه آنها گزارش‌های ناکافی درباره برنامه هسته‌ای ایران و رژیم بازرسی و راستی‌آزمایی ناکارآمد خوانند، رسیدگی کند. تاریخ این نامه پنجشنبه ۲۶ اکتبر، چهارم آبان بوده و وب‌سایت سناتور دیوید پردو، جمعه آن را منتشر کرده است. آنها در نامه خود نوشته‌اند: «ما این مرقومه را تهیه کردیم تا به این وسیله نگرانی خودمان را از نظام بازرسی‌ها و راستی‌آزمایی برجام که از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان ارگان سازمان ملل متحد در حال اجراست، اعلام کنیم». بی‌بی‌سی نوشته امضاکنندگان این نامه سناتورهای سرشناسی مانند تد کروز و مارکو روبیو هستند که هر دو رقیب انتخاباتی دونالد ترامپ در داخل حزب جمهوری‌خواه بودند. نویسندگان نامه به بند T برجام به‌عنوان یکی از بندهای آن که درباره نظام بازرسی است و راستی‌آزمایی از آن «گنگ و نامفهوم» است، اشاره کرده و گفته‌اند: «بسیار حیاتی است که اطمینان باییم، نظام بازرسی‌های آژانس از ایران به‌قدری عمیق و جامع است که با دقت و صحت بالا می‌تواند از هرگونه تلاش فوری با تدریجی ایران برای خروج از جرم خارج دهد». ویکی‌استاندارد نوشته این سناتورها در نامه خود از کمبود در بازرسی و راستی‌آزمایی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از برنامه هسته‌ای ایران به موجب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ابراز نگرانی کرده‌اند و گفته‌اند باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، وعده داده بود بازرسان قادر خواهند بود به هر مکان مشکوکی دسترسی داشته باشند و آژانس بین‌المللی از حق بازرسی «در هر زمان از هر مکان ضروری» برخوردار خواهد بود؛ اما ظاهرا در عمل این‌گونه نیست. آنها همچنین با اشاره به بخشی از برجام موسوم به بند T که بر اساس آن فعالیت‌هایی که می‌تواند در طراحی و توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای کاربرد داشته باشد، ممنوع شده است، تأکید کردند که آژانس بدون بازدید از سیات‌های نظامی قادر نیست نتیجه‌گیری درست و معتبری از پایبندی ایران به الزاماتش طبق بند T ارائه دهد. این ۱۳ سناتور در ادامه آورده‌اند؛ ما از شما می‌خواهیم این مسئله را به دیگر طرف‌های توافق هسته‌ای و به علاوه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یادآوری کنید. ما بر این باوریم که قادر هستیم رژیم بازرسی و راستی‌آزمایی برجام را برای اطمینان از اجرای کامل و راستی‌آزمایی آن، تقویت کنیم. این در حالی است که طرف‌های توافق هسته‌ای بر سر مسئولیت آژانس در راستی‌آزمایی بند T اختلاف نظر دارند. روسیه اعلام کرده است آژانس بین‌المللی هیچ اختیاری روی بند T ندارد. سناتورها نامه خود را خطاب به نیکی هیلی نوشته‌اند؛ او که مواضعی کاملا ضدایرانی دارد، در مصاحبه با شبکه سی‌ان‌ان گفته آمریکا تلاش‌های ایران برای کنترل سوریه را عقب خواهد راند و مانع از آزمایش‌های موشکی بالستیک این کشور خواهد شد.

پرونده بازرسی از مراکز نظامی برای همیشه بسته شد

این ادعاها در حالی منتشر شده که روز گذشته یوکیا امانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسافر تهران بود. سخنگوی سازمان انرژی اتمی دراین باره گفت: سفر آقای امانو می‌تواند تشریحی برای تقویت برجام و بااهمیت باشد. بهروز کمالوندی با بیان اینکه اکنون در آژانس چیزی به نام بازرسی از سایت‌های نظامی مطرح نیست و هیچ‌گاه نیز نخواهد بود، گفت: فعالیت‌های هسته‌ای ما متمرکز بر سایت‌های اعلام‌شده است که اطلاعاتش را به آژانس داده‌ایم، بهروز کمالوندی در گفت‌وگو با خبرگزاری صداوسیما، در پاسخ به این پرسش که آیا آقای امانو زمینه‌ساز مطالبات غیرقانونی آمریکا برای بازرسی از مناطق نظامی ایران است، گفت: متأسفانه روتیرز دراین باره خبرسازی کرد و اصلا این‌طور نبود که مواضع آقای امانو این‌گونه باشد. او اعلام کرد موضوعی به‌عنوان بازرسی از مراکز نظامی در برجام وجود ندارد. این موضوع نه‌فقط در برجام، بلکه در پروتکل الحاقی و پادمان نیز مطرح نیست. آنچه اهمیت دارد، این است که در مراکزى که فعالیت‌های هسته‌ای صورت می‌گیرد، آژانس می‌تواند درخواست کند و دسترسی داشته باشد و طبعاً اگر جایی فعالیت هسته‌ای وجود ندارد، خودبه‌خود از موضوع درخواست‌های آژانس خارج می‌شود و نه‌تنها در خواست دسترسی به حوزه نظامی، بلکه بسیاری از حوزه‌های دیگر نیز شامل این هسته‌ای ما متمرکز بر سایت‌های اعلام‌شده است که اطلاعاتش را به آژانس داده‌ایم. بر اساس این، هیچ دلیلی وجود ندارد که بخوانند به جاهای دیگر اعزام شوند و غیرنظامی دسترسی داشته باشند.